

بررسی جامعه‌شناختی رابطه پیشگیری وضعی و انتظامی از جرایم و آسیب‌های اجتماعی با احساس امنیت در شهر نوشهر

تاریخ پذیرش: 1398/12/10

تاریخ دریافت: 1398/09/15

جوادمنظمی تبار¹

از صفحه 1 تا 24

چکیده

زمینه و هدف: شهرستان نوشهر به دلیل نزدیکی به دریا، توریستی بودن و کارآفرینی در چند دهه اخیر مهاجرپذیر بوده و جمعیت آن چند برابر گردیده است، رشد بی‌رویه جمعیت موجب رشد شهرک‌های اقماری خودرو و بدون برنامه شده، در نتیجه انواع جرایم و آسیب‌های اجتماعی و به تبع آن احساس ناامنی در شهروندان را به همراه آورده است. پژوهش حاضر با استفاده از نظریات جامعه‌شناسی، به بررسی رابطه پیشگیری وضعی و انتظامی از جرایم و آسیب‌های اجتماعی با احساس امنیت شهروندان نوشهری در سال 1397 پرداخته است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی می‌باشد. که در جمع‌آوری داده‌های آن از پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج‌گانه لیکرت استفاده شده است. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالای 0/85 برآورد گردید. تعداد 392 نفر از شهروندان نوشهری نمونه تحقیق را شامل می‌شدند که از چهارده محله شهری و حومه نوشهر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای برگزیده شدند.

یافته‌ها: تفاوت معنی‌داری از نظر انواع احساس ناامنی بین شهروندان به تفکیک مناطق بدون پیشگیری و مناطق با پیشگیری وجود دارد. تحلیل رگرسیونی نشان داد متغیرهای مستقل؛ طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری و عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری 0/74 از تغییرات احساس ناامنی را تبیین می‌نمایند.

نتیجه‌گیری: همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان دادند معماری و طراحی مناسب مناطق شهری می‌تواند در افزایش احساس امنیت شهروندان سهم قابل توجهی داشته باشد این عامل وقتی با عامل نظارت مداوم بر عرصه مناطق شهری ترکیب می‌شود دارای تأثیر دو چندان در احساس امنیت شهروندان می‌شود بنابراین به منظور تقویت احساس امنیت شهروندان در مناطق بدون پیشگیری شهری ضروری است ضمن توجه به طراحی‌های کالبدی این مناطق، مبحث نظارت شهری مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، پیشگیری انتظامی، پیشگیری وضعی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی.

1- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)، رایانامه: javadmonazamitabar@gmail.com

پدیده شهرهای ساحلی و شکل اجتماعی سکونت انسان در کنار دریاها و رودخانه‌ها در طول تاریخ دارای قدمت طولانی است، اما رشد شهر ساحلی به مفهوم امروزی آن، از کشورهای صنعتی آغاز شد و در نیمه دوم قرن بیستم به صورت پدیده‌ای جهان شمول درآمد (بیرمن درز¹، 2016: 114). گسترش شهرهای ساحلی در کشور ما نیز همسوی این روند است و توسعه شهری در یکصد سال اخیر شتاب فزاینده‌ای داشته است. در نتیجه مشکلات و ناهنجاری‌های ناشی از آن نیز پدیدار شده و در سطوح مختلف موجب آسیب‌های ساختاری و کارکردی برای شهرهای ساحلی شده است (موسوی، 1388: 143). طراحی شهرهای ساحلی به عنوان یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی شهری با تعیین انواع استفاده از کاربری زمین، میزان تراکم هر کاربری بر روی هر قطعه از زمین، توسعه افقی یا توسعه عمودی شهر، اندازه و سیمای ظاهری ساختمان‌ها و چگونگی ترکیب و تداخل کاربری‌های تجاری، مسکونی و خدماتی و غیره پرداخته و می‌کوشد تا عدم تعادل و توازن میان دریا و زمین را به حداقل برساند (نیومن²، 2017: 130). مهم‌ترین چالش‌های موجود فراروی دست‌اندرکاران امور امنیتی و انتظامی، تبیین نقش و جایگاه مناطق شهری و تأثیر آن در روند تغییرات اجتماعی و انتخاب رویکردهای مناسب برای تأمین امنیت می‌باشد. این امنیت باید به‌نحوی پیش‌بینی شود که با تعامل بین محیط، مردم و سازمان‌های مسئول در امر تأمین نظم و آرامش و مدیریت پیشگیرانه فرآیند پیشگیری اجتماعی، وضعی و انتظامی را همراه داشته باشد (نوغانی، 43:1396).

با گسترش شهر و عوارض و مشکلات برخاسته از شهرنشینی، پدیده جرایم و آسیب‌های شهری موضوع تحقیقات علمی شد و دیدگاه‌های گوناگونی در این مورد بیان گردید. به‌طوریکه تعدادی به طور مستقیم تراکم، تحرک جمعیت و ناهمگونی فرهنگی را مؤثر بر بی‌سازمانی اجتماعی می‌دانند (مثل مکتب شیکاگو) و دیدگاه دیگر به جنبه طراحی شهری و نوع معماری توجه کرده و ویژگی فیزیکی و کالبدی شهر را تسهیل‌کننده بروز جرائم و ناامنی می‌دانند از جمله این دسته می‌توان به افرادی

1- Berman Derz
2-Nieman

همچون؛ جین جاکوبس¹ (2002)، نیومن (2007)، ترانسیک² (2010) و ... اشاره نمود. به اعتقاد این اندیشمندان شکل و کالبد شهری تأثیر بسزایی بر فرصت دست یازیدن به جرم و ترس از جرم دارد (خاموشی، 1395: 19).

کمبود امنیت، احساس خطر و ترس از جرم و جنایت در محیط‌های شهری موجب کاهش استفاده از عرصه‌های همگانی و عدم کارایی محیط‌های شهری می‌گردد (حسینی‌خواه، 55:1396). بدون احساس امنیت، مناطق شهری عرصه حضور و تعاملات اجتماعی شهروندان نخواهد بود (روحانی، 23:1394). بنابراین می‌توان گفت در جهان امروز امنیت شهری یکی از مسایل مورد توجه در معماری و شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری است چرا که به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توان فرد را در بین اقدامات مراقبتی قرار داد بدون اینکه اطراف و شرایط پیرامون او را آماده نمود به واقع نباید فرد را در محیط فاقد امنیت رها نمود و از او توقع داشت که خودش از تمامیت، اموال و حیثیت خود دفاع نماید (دیکنز³، 89:1396). جرایم محدود به شهر نیستند ولی اغلب در شهرها صورت می‌گیرند و بیشترین جرایم در خیابان‌ها اتفاق می‌افتند با این وصف آیا نحوه معماری ساختمان‌ها و طراحی خیابان‌ها و محله‌های شهری، می‌تواند در وقوع جرم، ناامنی و میزان آن نقش ایفا نماید؟ بعضی از فضاهای شهری به سبب عواملی متعدد از جمله کالبدی و اجتماعی به صورت بالقوه پذیرای جرایم و آسیب‌های اجتماعی و اعمال مغایر با هنجارهای جامعه هستند (فیالکوف⁴، 92:1394).

به عقیده زوکین⁵ مردم در فضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی هوا، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌روها روبرو هستند بنابراین از منظر وی شهر چهارراهی برای عبور نیست بلکه سکونت‌گاهی برای زندگی است (پورسعید، 37:1395). خیابان‌ها و فضاهای شهر محل گذر نیستند بلکه مکان اقامت‌اند. نتایج تحقیقات در مناطق جرم‌خیز شهری نشان می‌دهند احساس ناامنی مانع حضور مردم شده و محدودیت دسترسی در مناطق شهری ایجاد می‌کنند و زوال عرصه عمومی

1 - Jacobs
2 - Trancik
3- Dickens
4- Fialkoff
5- Zukin

را به دنبال دارند و مناطق عمومی جذابیت خود را برای جمع‌آوری شهروندان در کنار یکدیگر از دست می‌دهند (مدیری، 1395: 12).

با توجه به نظریات ارائه شده در پژوهش حاضر از تئوری‌های؛ مناطق قابل دفاع (نیومن)، پنجره شکسته (ویلسون)، پیشگیری وضعی از جرم (کلارک)، فرصت‌های نظارتی (جاکوبس) و نظریه تفاوت فرهنگی (آموس راپورت) به منظور تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. از این منظر مجموعه‌ای از نشانه‌های محیطی و فیزیکی از قبیل؛ روشنایی ضعیف در شب، مکان‌های مناسب برای اختفای مجرمین، خلوتی و تاریکی (مثل زیرگذرها)، محاط بودن و نبود فرصت نظارتی (مثل برخی پارک‌ها)، بی‌نظمی و فرسودگی (مثل ساختمان‌های مخروبه و متروکه)، مکان‌های بدون متولی (مثل ساختمان‌های رها شده)، نبود امکان فرار (مثل کوچه‌های تنگ و باریک)، عدم رویت‌پذیری (مثل باغات درون شهر)، نبود فرصت نظارتی (مثل راه‌پله‌ها و پارکینگ‌ها)، بی‌ثباتی و ناپایداری جمعیت (مثل پایانه‌های مسافربری)، ازدحام و تراکم جمعیت (مثل ایستگاه‌های مترو) که همراه با احساس ناامنی بوده مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری و عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری از جمله عوامل تشدیدکننده احساس ناامنی شهروندان بوده است.

با توجه به موارد فوق، پژوهش حاضر درصدد ارزیابی میزان احساس امنیت شهروندان نوشهری و مقایسه این احساس امنیت در مناطق مختلف شهر و حومه نوشهر با دو هدف نشان دادن تأثیر پیشگیری وضعی و انتظامی از جرم بر روی احساس امنیت شهروندان و تعیین عوامل مؤثر بر این احساس امنیت می‌باشد. لذا این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال می‌باشد؛ عوامل جامعه‌شناختی پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی با احساس امنیت شهروندان نوشهر چه رابطه‌ای دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به‌طور کلی، بخش قابل توجهی از جامعه‌شناسان بر این باورند که جرایم و آسیب‌های اجتماعی، در نهایت با گسترش و بدل شدن به مسائل اجتماعی سد راه توسعه جامعه بشری هستند و کیفیت زندگی بشری را با دشواری روبرو می‌سازند. باید اظهار داشت که توسعه متوازن هنگامی حاصل می‌شود که رشد همراه با بهبود در کیفیت زندگی شامل

کاهش در مسائل اجتماعی باشد. افزایش روند جرایم و آسیب‌های اجتماعی نه تنها مانعی برای دستیابی به توسعه همه جانبه است، بلکه مانعی در راه ایجاد جامعه‌ای متعادل در آینده خواهد بود. اگرچه در مواجهه با جرایم و آسیب‌های اجتماعی برخورد انتظامی و پلیسی تنها گزینه‌ای است که به اذهان عموم خطور می‌کند، اما ظهور رویکرد پلیس اجتماع محور در دهه اخیر موجب تعدیل این نگرش عمومی شده است و تمامی جامعه و نهادهای اجتماعی را مسئول می‌داند. در این راستا مدیریت انتظامی شهرهای ساحلی، طراحی و سامان‌دهی محیط شهری و طراحی محیطی با سرمایه کالبدی و دسترسی‌پذیری نمادین و بصری بیشتر، امکان وقوع جرم را کاهش می‌دهد زیرا عوامل متعددی در وقوع جرم مؤثرند، اما سه عنصر اساسی را می‌توان شالوده وقوع تمامی جرایم دانست عبارتند از: مجرم، قربانی و محل وقوع جرم (بیات، 1394: 6). اندیشمندان در شناسایی عوامل محیطی بروز جرایم دریافته‌اند، مکان، انسان، زمان سه عنصر اصلی مؤثر در شکل‌گیری رفتار مجرمانه است (کلانتری، 1392: 4).

بطور خلاصه مشارکت در طراحی شهری از دیدگاه جامعه‌شناسی عبارت است از فعالیت کلیه کسانی که در توسعه و احیای شهری سهیم بوده و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند بنابراین باید آنان را در اداره شهر مشارکت داده و به آنها مسئولیت داده شود. وظیفه طراحی شهری بهبود ساخت و شکل کالبدی منطقه شهری، حومه شهر و بخش‌های وابسته به مناطق شهری است. شبکه میادین و خیابان‌های عمومی مهم و فضاهای خاص، چنین تفسیر گسترده‌ای از ماهیت و نقش طراحی در توسعه شهری نتایج و آثار قابل ملاحظه‌ای برای آموزش و فعالیت حرفه‌ای دارد (براند فری¹، 1397: 21-22).

در خصوص پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، سه دیدگاه یا رویکرد جداگانه وجود دارد. این اصطلاح اولین بار توسط جرم‌شناسی به نام (سی.ری. جفری²) وضع گردید. وی این مسئله را در کتابی که در سال 1971 میلادی منتشر کرد مورد بحث و بررسی قرار داد. وی معتقد است جامعه‌شناسان درباره دلایل اجتماعی جرم از جمله فقر نسبی مهاجران و اثرات خرده‌فرهنگی مبالغه زیادی کرده‌اند و به سایر عوامل

1- Brand Frey
2-C.Rey. Jeffrey

تعیین‌کننده مانند عوامل زیستی، شخصیتی و محیطی مؤثر در وقوع جرم توجهی ندارند. در حالی که در بررسی‌های مربوط به پیشگیری جرم عوامل گوناگونی از جمله عوامل زیستی نیز نقش دارند. به طور مثال رطوبت موجود در محیط می‌تواند در تماس با بدن انسان و به طور خاص بزرگسالان و پیران موجب تشدید تمایل به اعتیاد و بزهکاری شود. همچنین کاهش فرصت‌های محیطی در این رابطه مؤثرند (نیومن، 2017:33).

در نظریه مکان‌های ویژه به خصوص بخش مرکزی شهر که در آن میزان جرایم و آسیب‌های اجتماعی بیشتر از سایر مناطق است بیشتر توجه می‌شود. طبق این نظریه با دور شدن از بخش مرکزی از رقم جرایم کاسته می‌شود. اولین بار شاو و مک کی این نظریه را بیان کردند. آنها دریافتند که بیشتر جرایم در بخش تجاری شهرهای ساحلی که همان بخش مرکزی شهر محسوب می‌شود متمرکز می‌باشد (شکویی، 1394:102).

تئوری انتخاب منطقی با طرز تفکر مجرمین پیرامون مکان وقوع جرم سروکار دارد. این که بزهکاران چگونه فرصت‌های مجرمانه را ارزیابی می‌کنند و چرا تصمیم می‌گیرند اهدافشان را از طریق انجام اعمال مجرمانه به دست بیاورند. براساس این تئوری بزهکاران با ارتکاب جرم به دنبال منافع خاص هستند و در مکان‌هایی که منافع بیشتری را به دست آورند مرتکب جرم می‌شوند. انتخاب مکان‌های خاص برای انجام رفتارهای نامشروع بستگی به فرصت‌ها و منافع دارد که محیط در اختیار مجرم قرار می‌دهد. معمولاً افراد بزهکار مکان‌هایی را برای اعمال غیرقانونی خود انتخاب می‌کنند که فواید ناشی از ارتکاب آن بیشتر از ریسک و تلاش انجام آن باشد. به اعتقاد دیوید چپمن¹ خصوصیات کالبدی فضا مستعد تأثیرگذاری بر رفتار هستند چرا که وضع و شکل فضا می‌توانند در ایجاد آسایش یا ناراحتی مؤثر باشد (چپمن، 1395:179).

جاکوبس² به مسئله امنیت و نیز عوامل بازدارنده فضایی و کالبدی اشاره نموده است به زعم وی نشانه یک شهر موفق آن است که فرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها و دیگر فضاهای شهر که مملو از غریبه است احساس امنیت و اطمینان کند و نباید خود به خود احساس کند که مورد تهدید است (جاکوبس، 2013:97). جاکوبس بر نقش ساکنین-چشم‌های

1- David Chapman

2- Jacobs

در خیابان و پهنه‌ای را که آنها مراقبت می‌کنند تأکید می‌کند اگر انسان مشاهده کند که کنترل اعمال می‌شود آنگاه احساس امنیت تولید خواهد شد این مدل به ما کمک می‌کند که رابطه بین محیط خود و ترس از جرم و ناامنی را به دو طریق توضیح دهیم اول به طریق مستقیم یعنی اینکه علائم جرم و ناامنی می‌تواند نشان‌دهنده خطر واقعی باشد دوم، بطور غیرمستقیم یعنی ترس از جرم و ناامنی حاصل ویژگی‌های محیط شهری یا همان نشان‌هاست (جاکوبس، 2013:114).

کوین لینچ¹ اهمیت زیادی به الگوهای ذهنی و تصویری مردم می‌دهد و تمام تلاش وی شناخت رابطه متقابل مناطق فیزیکی و مناطق ذهنی است که در الگوهای رفتاری مشاهده‌کننده مؤثر واقع شده و متقابلاً در نحوه استفاده از مناطق فیزیکی و کاربرد آن تأثیر می‌گذارد (لینچ، 1395:265).

راجر ترانسیک² در کتاب بازیابی فضاهای گمشده³ به مسأله فضاهای بی‌استفاده یا فضاهایی که استفاده کافی از آنها به عمل نمی‌آید توجه می‌کند. از نظر او فضاهای شهری بی‌استفاده فضاهایی هستند که هیچ‌گونه اثر مثبتی در محیط اطراف و استفاده‌کنندگان ندارند، فضاهایی که به طور ضعیفی تعریف شده‌اند. مرز و محدوده قابل اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند. این فضاها بقایای زمین‌های اطراف ساختمان‌های مرتفع، میدان‌های بدون استفاده، پارکینگ‌ها و زمین‌هایی است که در حاشیه راه‌ها وجود دارد و بدون حضور انسان رها شده‌اند و هیچ‌کس به محتوای آنها اهمیت نمی‌دهد (ترانسیک، 2016، 118).

نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)⁴ با تمایز از هسته تئوری معماری گونه فضاهای قابل دفاع توسط ری جفری⁵ و در واکنش به ناکارآمدی دستگاه قضایی و جنایی در پیشگیری از جرم طرح‌ریزی شد. جفری افکار خود را متمرکز بر رابطه میان انسان و محیط کرد تا بدین ترتیب بتواند راهی برای فایق آمدن بر جرایم از خلال محیط پیرامون بیابد (مدنی‌پور، 1395:67).

1- Queen Linch

2- Roger Trancik

3- Finding Lost Space

4 - Crime Prevention Through Environmental Design

5- Rey Jeffri

در سال 2015 کلارک¹، ماتریسی شانزده گانه از تکنیک‌های کاهش فرصت جرم ارائه داد که در آن علاوه بر سه اصل افزایش زحمت، کاهش پاداش و افزایش ریسک، متغیر دیگری به نام از بین بردن بهانه را نیز به آن افزود (کلارک، 2015:57).

جدول 1- تکنیک‌های 16 گانه کاهش فرصت‌ها (کلارک، 2015:57)

افزایش زحمت	افزایش ریسک	کاهش پاداش	از بین بردن بهانه
1- سخت کردن هدف؛ دستگاه قفل مرکزی، قفل ماشین دوربین	5- دوربین ورودی و خروجی؛ درب های اتوماتیک، کنترل کیف و ساک، برچسب برای کالاها	9- جابجایی اهداف؛ ضبط ماشین پندار، پناهگاه بانوان، رمزدار کردن موبایل ها	13- قانونمند کردن؛ اظهار به مشتریان، مشخص کردن موارد اذیت و آزار ثبت اسامی در هتل ها
2- کنترل دسترسی کنترل ورود و خروج ماشین در پارکینگ‌ها، نصب دوربین در ورودی	6- نظارت رسمی؛ دوربین مدار بنفش، زنگ خطر هنگام دزدی، نگهبانان امنیتی	10- هویت دار کردن دارایی ها؛ به نام کردن دارایی، صدور مجوز برای وسایل نقلیه، داشتن شماره شناسایی اموال	14- افزایش آگاهی؛ نصب سرعت سنج، سنج
3- گمراه کردن متخلفان - قراردادن ایستگاه اتوبوس - مکان ای مشخص - مشروب فروشی - بازبودن محوطه خیابان	7- نظارت به وسیله کارمندان؛ نصب تلفن همگانی، پارکبان، دوربین مدار بسته	11- کاهش موقعیت های وسوسه انگیز؛ فضاهای مختلط (جنسیت)، پارکینگ های شخصی - تعمیر و بازسازی سریع	15- کنترل قوانین؛ سن قانونی مشروب نوشیدن، کنترل الکل خون، دستگاه های کنترل کننده کانال های تلویزیون
4- کنترل کردن کارت شناسایی عکس دار، کنترل کردن مجوز اسلحه، دستگاه caller ID	8- نظارت طبیعی؛ فضای قابل دفاع، روشنی خیابان، تاکسیرانان با کارت شناسایی	12- نفع کردن سود؛ برچسب الکترونیکی بر کالاها، پین کد برای ضبط ماشین، پاک کردن دیوارها از نوشته ها	16- آسان کردن شرایط؛ کتب خروجی کتابخانه، دستشویی های عمومی، نصب سطل زباله

در ادامه این روند رویکردی جدید در جامعه‌شناسی جرم پدید آمد که منجر به ظهور مفاهیم و روندهایی جدید در این حیطه می‌شود این مفاهیم ذیل سه نظریه جدید تشکل و انسجام یافتند:

1- Clarke

الف) نظریه گرامر فضا¹؛

ب) شهرگرایی جدید²؛

ج) ریزومیک شدن جرایم.

9 این نظریه‌های جرم مکان محور بوده و غالباً از شاخه‌های متفاوتی مانند معماری، طراحی شهری، جرم‌شناسی، جغرافیا شهری و جامعه‌شناسی مشتق شده‌اند.

با استفاده از نظریات فوق تحقیقات مختلفی پیرامون پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی صورت گرفته است که در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین این تحقیقات که در سال‌های اخیر انجام شده است، در جدول زیر اشاره می‌گردد.

جدول شماره 2- پیشینه پژوهش

موضوع مقاله	نویسنده	نتایج و یافته‌ها
پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی منطقه 8 شهر تهران	شرافتی پور (1393)	1- کاهش جرایم در صورت ارتباط مفید و مستمر طراحان محیط شهری و شهرسازان و پلیس در زمینه سخت فضاها، 2- نورپردازی خیابان‌ها و مناطق تاریک، 3- از بین بردن حصارها و دیوارهایی که مانع دید هستند، 4- تعبیه دوربین‌های مدار بسته و قرار دادن دوربین در سر چهار راه‌ها نمونه‌هایی از اقدامات پیشنهادی برای پیشگیری از جرم است.
ارتباط معناشناسی جرم و مدل‌های مختلف ارتباطات و طراحی شهری (مطالعه موردی شهریار و رباط کریم)	شیراوند (1392)	1- کانون شکل‌گیری ناهنجاری‌ها در شهرها با توجه به مناطق آن تفکیک پذیر است. 2- بین مناطق شهری و شدت جرایم رابطه معنادار است.
پیشگیری از جرم با استفاده از طراحی محیطی در مرکز شهر همدان	ایارو دیگر همکاران (1389)	پیشگیری با توسل به چند رویه کلی از وقوع جرم از جمله: کنترل دستیابی، سخت‌تر کردن هدف، افزایش مراقبت و توانایی ایجاد اجتماع میسر می‌باشد
تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری	کلانتری و آیت (1385)	1- وجود ارتباط معنادار بین تاریکی محل وقوع جرم و ارتکاب جرم، 2- عامل شلغوی و ازدحام در مورد برخی جرایم به عنوان عامل بازدارنده ارتکاب جرم عمل نموده است، 3- حذف نقاط کور، نورپردازی بهتر معابر، افزایش نظارت غیررسمی، رفع مشکلات طراحی کالبدی فضاها مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از جرم است
تبیین تئوریک و جامعه	صدیق	1- هر قدر فاصله از مناطق مرکزی بیشتر شود شدت و فراوانی

1- Space Syntax Theory

2- New Urbanism

موضوع مقاله	نویسنده	نتایج و یافته‌ها
شناختی جرایم شهر تهران	سروستانی (1382)	بیماری‌های شهری کاهش می‌یابد. 2- فقدان ساماندهی اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و اقتصادی عامل ناهنجاری‌هاست. 3- ارتباط معنادار الگوی سکونت از لحاظ نوع ملکیت با جرایم شهری وجود دارد هرچه قدر مالکیت خصوصی‌تر باشد جرایم کمتر است
عوامل مؤثر بر پیشگیری وضعی بر وقوع سرقت	کایفر (2017)	احتمال سرقت از سوی افراد بیکار و آنهایی که در آمد پایین‌تری دارند را کمتر یافته است. متغیرهایی مثل سن سرپرست خانوار، تعداد فرزندان و درآمد، با میزان وقوع سرقت، رابطه داشتند. متغیرهایی مانند وضعیت اشتغال همسر و وضع سلامتی سرپرست خانوار با وقوع سرقت رابطه معناداری نداشتند.
اثربخشی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم	ایک و همکاران (2015)	نتیجه می‌گیرند که ادله ضعیفی مبنی بر اثربخشی الگوهای سنتی پلیس در پیشگیری از جرم وجود دارد. اما در مورد اثربخشی الگوهای نوین امور پلیسی در پیشگیری از جرم، از جمله پیشگیری وضعی، گرچه ادله موجود، بیانگر اثربخشی این الگوها هستند، اما نتیجه‌گیری قطعی منوط به گذشت زمان و انجام تحقیقات بیشتر است.
بررسی عوامل و شیوه‌های مؤثر پیشگیری بر وقوع سرقت‌های اموال دولتی در شهر بوستون	کورنیش و کلارک (2014)	نشان دادند که سه عامل، مراقبت‌های پلیسی (رسمی و غیررسمی)، نقش بافت محیطی نامناسب و نقش رفتار افراد بزه‌دیده در افزایش سرقت‌های اموال دولتی شهر بوستون مؤثر هستند. البته اقدامات مؤثر پیشگیری وضعی را منحصر به این سه عامل نمی‌دانند و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی باید ترتیبات لازم را به منظور حفظ و حراست کامل اینگونه اموال اتخاذ نمایند و وظایف و مسئولیت‌های هر یک از واحدها و عوامل اجرایی را در این خصوص به طور دقیق تعیین و ابلاغ کنند.
رویکردهای پلیسی برای پیشگیری از جرم	ویزل دیبورا (2016)	این تحقیق می‌گوید: پلیس و شهروندان جامعه باید شیوه‌های جدیدی را به منظور همکاری با یکدیگر شکل دهند. این شیوه‌های نوین باید در فضایی مطرح شوند که هم پلیس و هم مردم بتوانند به طور مشترک مسائل را شناسایی کنند، راه‌حل‌ها را پیشنهاد نمایند و تغییرات لازم را به انجام برسانند طی چهارده ماه اجرای برنامه که در واقع آزمایشگاهی برای آزمون نقش عموم در مراقبت‌های پلیس فراهم شده بود، نشان داده شد که سطوح مشارکت سازمان‌یافته در نواحی اصلی به شکل معناداری بالاتر از نواحی کنترل است.

مدل مفهومی



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

روش این تحقیق، توصیفی- تحلیلی از نوع پیمایشی می باشد. که برای تدوین چارچوب نظری آن از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه شهروندان 60-18 سال شهر نوشهر می باشند که تعداد آنها 100000 نفر است (گزارش ثبت احوال نوشهر، 1397). حجم نمونه تحقیق بر اساس جدول مورگان برابر 384 نفر برآورد گردید، اما برای جلوگیری از تورش احتمالی تعداد 400 پرسشنامه در مناطق انتخاب شده توزیع گردید که از این تعداد 392 پرسشنامه قابل استفاده و بهره‌برداری بود. روش نمونه‌گیری جهت دستیابی به نمونه‌ی پژوهشی معرف، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می باشد که ابتدا از بین مناطق مختلف شهر نوشهر و حومه، چندین محله به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از بین تعداد محله‌های انتخاب شده، چندین خیابان به صورت تصادفی جهت انتخاب نمونه در نظر گرفته شد. روایی پرسشنامه با نظرات ده نفر (پنج استاد و پنج نفر از کارشناسان مربوطه) پس از انجام اصلاحات لازم تأیید شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای تمام متغیرهای مورد سنجش بالاتر از 85 درصد شده است (گویه‌های ناامنی مالی 91 درصد، گویه‌های ناامنی جانی 85 درصد و گویه‌های ناامنی روانی 89 درصد) که گویای این واقعیت می باشد که سوالات پرسشنامه از انسجام درونی مناسبی برخوردار هستند.

جدول شماره 3- مناطق با پیشگیری و بدون پیشگیری در شهر نوشهر

ردیف	حوزه	مناطق با پیشگیری	مناطق بدون پیشگیری
1	شهر	همافران، خیریان، دهخدا، دهنو	گردکل، عنصری، هلستان، پل کناربندر نوشهر
2	حومه	علی آباد، خیرآباد، امیررود	چلندر، جاده معدن، فرج آباد

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

شرکت‌کنندگان در این پژوهش 392 نفر می‌باشند که ویژگی‌های آنها به شرح جدول شماره چهار می‌باشد.

جدول شماره 4- توزیع جمعیت شهروندان مورد مطالعه بر حسب متغیرهای جمعیتی

متغیر	طبقات	فراوانی	متغیر	طبقات	فراوانی
جنس	زن	86	سن	16-25	73
	مرد	26-35		98	
		36-45		96	
		46-55		57	
		56-65		68	
جمع	392	جمع	392		
شغل	دولتی	94	تحصیلات	کمتر از دیپلم	64
	غیردولتی	109		دیپلم	66
		88		فوق دیپلم	93
		101		لیسانس	130
	جمع	392		فوق لیسانس و بالاتر	39
جمع	392	جمع	392		

میانگین گویه‌های؛ احساس ناامنی مالی، جانی

همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌گردد در همه گویه‌های شاخص احساس ناامنی مالی، احساس ناامنی شهروندان در مناطق بدون پیشگیری بیشتر از مناطق با پیشگیری می‌باشد و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی مالی نیز در مناطق بدون پیشگیری از مناطق با پیشگیری کمتر است. همچنین میانگین گویه‌های شاخص

«احساس ناامنی جانی» نشان می‌دهد در همه گویه‌های این شاخص، احساس ناامنی شهروندان در مناطق بدون پیشگیری بیشتر از مناطق با پیشگیری می‌باشد و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی جانی نیز در مناطق بدون پیشگیری از مناطق با پیشگیری کمتر است. البته در دو گویه دارای بار معنایی متفاوت با بقیه گویه‌ها احساس امنیت جانی در مناطق با پیشگیری از مناطق بدون پیشگیری بیشتر است.

جدول شماره 5- میانگین گویه‌های ناامنی مالی، جانی

مناطق با پیشگیری	مناطق بدون پیشگیری	گویه‌های ناامنی مالی
2/73	3/11	احساس ناامنی مالی
3/33	3/60	1- احساس خطر از همراه داشتن اشیاء گران قیمت
3/12	3/49	2- نگرانی از سرقت یا دزدی
2/65	3/09	3- ترس از زورگیری و باجگیری افراد شرور
2/38	2/97	4- ترس از مخفی شدن دزدان یا کیف قاپان
3/69	3/89	5- ترجیح به همراه نداشتن طلا و جواهر
2/88	3/66	6- مشاهده دزدی و سرقت اموال شهروندان
2/57	3/12	7- وجود افراد متکدی و دوره گرد
مناطق با پیشگیری	مناطق بدون پیشگیری	گویه‌های ناامنی جانی
2/89	3/26	احساس ناامنی جانی
3/73	3/16	1- ایمن و بی‌خطر بودن مکان
2/49	3/11	2- نگرانی از حمله افراد خطرناک
2/56	3/28	3- مشاهده نزاع و درگیری در فضا
3/82	3/59	4- تشویش از دور شدن فرزندان
2/51	3/15	5- مشاهده افراد بی‌خانمان و پرده زن
2/68	3/13	6- نبود کنترل و نظارت لازم برای ایجاد امنیت در مکان
3/52	3/44	7- احتمال کمک سابرین در صورت مزاحمت

میانگین گویه‌های احساس ناامنی روانی

همان‌گونه که در جدول شماره 5 مشاهده می‌گردد در همه گویه‌های احساس ناامنی روانی، احساس ناامنی شهروندان در مناطق بدون پیشگیری بیشتر از مناطق با پیشگیری می‌باشد و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی روانی نیز در مناطق بدون پیشگیری از مناطق با پیشگیری کمتر است. البته در دو گویه دارای بار معنایی متفاوت

با بقیه گویه‌ها احساس امنیت روانی در مناطق با پیشگیری از مناطق بدون پیشگیری بیشتر است.

جدول شماره 6- میانگین ناامنی روانی

مناطق با پیشگیری	مناطق بدون پیشگیری	گویه‌های ناامنی روانی
2/54	2/97	احساس ناامنی روانی
3/78	3/49	1- احساس امنیت و آرامش از بودن در مکان
2/23	2/66	2- مشاهده مصرف مواد مخدر
2/17	2/57	3- مشاهده عربده کشی یا چاقو کشی اراذل
3/76	3/63	4- تمایل به حضور مجدد در این مکان
3/47	3/79	5- عدم تمایل به حضور در ساعات شب در این مکان
3/32	3/66	6- عدم تمایل به ایجاد ارتباط با افراد غریبه و ناشناس
2/23	2/83	7- پاکیزه نبودن و کثیف بودن مناطق مکان (5-1)

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات اول و دوم

1- میان احساس امنیت شهروندان در مناطق با پیشگیری و بدون پیشگیری شهر نوشهر تفاوت وجود دارد.

2- میان ابعاد سه گانه احساس امنیت شهروندان در مناطق با پیشگیری و بدون پیشگیری شهر نوشهر تفاوت وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیات اول و دوم پژوهش از آزمون تی تست استفاده گردید که نتایج در قالب جداول شماره 7 و شماره 8 آورده شده است.

جدول شماره 7- آزمون فرضیه اول

معنی داری	اشتباه استاندارد میانگین	میانگین انحراف معیار	حجم نمونه	مناطق شهری	متغیر وابسته
0/000	0/97	15/66	91/26	بدون پیشگیری	احساس ناامنی با پیشگیری
	1/14	14/15	79/62	140	

درجه معنی داری بدست آمده رابطه احساس ناامنی و مناطق شهری برابر با (0/000=معنی داری) است که کوچکتر از میزان آلفای قابل قبول در تحقیقات علوم

اجتماعی است. لذا دلیل و مدرک کافی برای رد فرضیه صفر تحقیق وجود دارد و فرضیه اصلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به میانگین احساس ناامنی در دو گروه مناطق بدون پیشگیری و با پیشگیری مشخص است که مناطق شهری بدون پیشگیری شهر نوشهر احساس امنیت کمتری را به شهروندان نوشهری بخشیده‌اند و در مناطق شهری با پیشگیری احساس امنیت شهروندان بیشتر می‌باشد.

جدول شماره 8- آزمون فرضیه دوم

معنی‌داری	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	مناطق شهری	ابعاد متغیر وابسته
0/000	0/31	5/36	23/52	252	بدون پیشگیری	ناامنی مالی
	0/42	5/16	20/71	140	با پیشگیری	
0/000	0/28	4/21	23/22	252	بدون پیشگیری	ناامنی جانی
	0/39	4/19	20/63	140	با پیشگیری	
0/000	0/35	5/26	21/18	252	بدون پیشگیری	ناامنی روانی
	0/36	4/86	18/38	140	با پیشگیری	

درجه معنی‌داری بدست آمده برای رابطه بین ابعاد متغیر وابسته احساس ناامنی و مناطق شهری برابر با (0/000= سطح معناداری) است که کوچک‌تر از میزان آلفای قابل قبول در تحقیقات علوم اجتماعی است. لذا فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه اصلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به میانگین احساس ناامنی در سه مؤلفه «احساس ناامنی مالی»، «احساس ناامنی جانی» و «احساس ناامنی روانی» مشخص است که در همه ابعاد فوق شهروندان در مناطقی که به عنوان مناطق بدون پیشگیری و ناامن تلقی شده است احساس امنیت کمتری را منعکس کرده‌اند و در همه مؤلفه‌های سه‌گانه مورد مطالعه نیز در مناطقی که به عنوان مناطق با پیشگیری و ایمن تعریف شده است شهروندان نوشهری از احساس امنیت بیشتری برخوردار می‌باشند.

آزمون فرضیات سوم و چهارم

- 3- طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری بر روی احساس امنیت شهروندان نوشهری تأثیرگذار می‌باشد.
- 4- عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری بر روی احساس امنیت شهروندان نوشهری تأثیرگذار می‌باشد.

به منظور آزمون فرضیات سوم و چهارم پژوهش پس از آزمون نرمال بودن و استقلال خطای واریانس متغیرهای مورد بررسی که نشانگر امکان استفاده از آزمون رگرسیون بود از این آزمون استفاده گردید که نتایج در قالب جداول شماره 9 و شماره 10 آورده شده است.

جدول شماره 9- مدل رگرسیونی پژوهش برای پیش‌بینی احساس ناامنی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده
پیش‌بینی احساس ناامنی از روی متغیرهای پیش بین	0/949	0/776	0/75

در جدول فوق مقادیر ضریب همبستگی چندگانه، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مشاهده می‌شود. در این جدول مقدار ضریب تعیین تعدیل شده بسیار مهم بوده و میزان برازندگی مدل را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب بین 0 تا یک است، که هر چه به یک نزدیک‌تر شود دقت بیشتر مدل را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود این مقدار در تحلیل فوق برابر با 0/75 است که نشان می‌دهد 75 درصد تغییرات احساس امنیت به متغیرهای مستقل وابسته است. از آنجا که مقدار ضریب رگرسیون معنادار است می‌توان به وسیله جدول ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده میزان اهمیت و معناداری هر یک از مؤلفه‌های متغیرهای مستقل را در تعیین متغیر وابسته به تفکیک مشخص کرد که این امر در قالب جدول شماره 9 آورده شده است.

جدول شماره 10- ضرایب رگرسیون

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		آزمون تی	سطح معناداری
	بتا	خطای استاندارد	ضریب بتا	خطای استاندارد		
عرض از مبدا	1/017	1/826	0/521	0/001		
طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری	0/975	0/049	0/385	0/000	11/022	0/000
عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری	0/935	0/076	0/498	0/000	7/248	0/000

با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت که هر دو فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است حال با توجه به ضریب بتا و فارغ از تأیید یا عدم تأیید فرضیات می‌توان گفت تغییری به اندازه یک انحراف معیار منجر به تأثیر متغیرهای؛ طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری به میزان (0/385) و عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری به میزان (0/498) در میزان متغیر وابسته احساس ناامنی می‌شود. با توجه به جداول فوق و براساس متغیرهای پیش بین معنادار معادله رگرسیون برای احساس ناامنی به صورت زیر به دست آمده است:

احساس ناامنی شهروندان نوشهری: $1/017 +$ طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری (0/385) + عدم نظارت مداوم بر عرصه مناطق شهری (0/498).

با توجه به معادله فوق می‌توان اذعان نمود که یک واحد تغییر در احساس ناامنی با عرض از مبدأ $1/017$ به میزان $0/385$ از سوی طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری و به میزان $0/498$ از طرف عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر هر $0/37$ واحد تغییر در طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری یک واحد احساس ناامنی شهروندان نوشهری را تغییر می‌دهد و هر $0/50$ واحد تغییر در عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری یک واحد متغیر وابسته را تغییر می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

دو تن از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو کوهن و فلسون در نظریه فعالیت روزمره اعتقاد بر این دارند که جرایم و آسیب‌های اجتماعی با تعامل‌ها و کنش‌های اجتماعی در ارتباط است و همزمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات در فضای اجتماعی نرخ جرایم و آسیب‌های اجتماعی نیز تغییر می‌یابد.

از دیدگاه این جامعه‌شناسان برای تحقق جرم باید میان حداقل سه عامل تقارن زمانی و مکانی وجود داشته باشد. این سه عامل عبارتند از:

- 1- وجود بزهدار احتمالی تحریک شده؛
- 2- وجود آماج جرم مناسب (فضای بدون پیشگیری وضعی)؛

3- فقدان محافظ کارآمد برای جلوگیری از وقوع جرم (فضای بدون پیشگیری انتظامی).

یعنی در حالت عادی جرم زمانی تحقق می‌یابد که یک فضای اجتماعی بدون دفاع وجود داشته باشد.

در این رویکرد تأکید جامعه‌شناسان برای تبیین جرایم شهری بر روی مناطق بدون حفاظ و محافظ است. منظور از محافظ هر شخص یا حیوان یا شیء است که حضور مؤثر آن موجب پیشگیری از جرم شود.

در مجموع می‌توان گفت که بزهکاران به زمان و فضایی نیاز دارند که کسی در کار آنها مزاحمت و دخالتی ایجاد نکند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو می‌گویند: جرایم و آسیب‌های اجتماعی با طبیعت خصوصیات زندگی اجتماعی انسان یا به عبارتی با تعامل‌ها و کنش‌های اجتماعی در ارتباط است. به عبارت روشن‌تر همان متغیرهایی که فرصت‌های بر خورداری از مزایای زندگی اجتماعی را افزایش می‌دهند فرصت‌های وقوع خشونت و ناامنی را هم فراهم می‌کنند. این پژوهش احساس امنیت را در چهار بُعد (احساس امنیت روانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی و احساس امنیت ناموسی) سنجیده است که نتایج نشان داد که در هر چهار مؤلفه ذکر شده احساس امنیت شهروندان نوشهری در فضاهای با پیشگیری شهر نوشهر به طرز معنی‌داری از مناطق بدون پیشگیری شهر نوشهر بیشتر است. این نتایج با نتایج تحقیقات دیگران خصوصاً تحقیقات کورنیش و کلارک (2014) شیراوند (1392) و صدیق سروستانی همراستا می‌باشد. همچنین این موضوعات در نظریات تبیینی پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته بود. بر حسب رویکرد مکانی فرض شده است که شرایط فیزیکی و محیطی برخی نقاط شهر نوشهر می‌تواند به گونه‌ای مؤثر جلوی وقوع خشونت‌های شهری را گرفته و امنیت شخصی را حاصل نماید. در این رویکرد تصور بر این است که رابطه‌ای بین مکان و رفتار وجود دارد و رفتار می‌تواند با توجه به تأثیر مکان اصلاح گردد و با طراحی مناسب، محیط فیزیکی قادر خواهد بود با از بین بردن گوشه‌های پنهان، مکان‌های مخفی، راه‌های مناسب فرار مانع رفتارهای مجرمانه شود به گونه‌ای که در شهر نوشهر ملاحظه شد فضاها و مکان‌هایی که طراحی اجتماعی مناسب داشتند توان جرم‌خیزیشان کمتر و احساس رضایت‌مندی شهروندان بیشتر بود. در واقع محیط

فیزیکی قادر است از طریق افزایش کنترل، مراقبت و نظارت فضاهای شهری، دسترس بودن و مداخله شهروندان در استفاده از فضا، باعث افزایش احساس امنیت شود. این رویکرد بر توانمندسازی محیط کالبدی شهر از بُعد فیزیکی و کنترل و بازدارندگی در بُعد مکان رفتارهای مجرمین تأکید داشته است و پژوهش حاضر نیز نشان داد ترس از قربانی شدن در مناطق بدون پیشگیری در حال افزایش و به تبع آن احساس امنیت در حال کاهش بوده است. یعنی مختصات مناطق بدون پیشگیری شهر نوشهر مثل پایانه‌های مسافربری یا کوچه‌های تنگ و تاریک و شرایطی از این دست شهروندان را دچار تشویش، اضطراب، سردرگمی و ترس نموده و منجر به افزایش احساس ناامنی می‌گردد و بالعکس مناطق ایمن و باپیشگیری باعث امنیت خاطر شده و عامل و مانع بازدارنده فرصت‌های ناامن‌کننده هستند. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آنها در مناطق مختلف شهری، ساختمان‌های نیمه کاره و مخروبه، کوچه‌های خلوت و تاریک، مکان‌های پرازدحام را فضاهایی با امنیت کم ارزیابی می‌کنند. خصوصیات برخی فضاهای شهری به گونه‌ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می‌کند. تحقیقات شرافتی‌پور (1392) و ایارگر و دیگران نیز این نتایج را تأیید می‌کنند.

مطابق نظر جاکوبس که ضمن تفکیک بین مناطق عمومی و خصوصی بر نقش ساکنین «چشم‌ها در خیابان» تأکید می‌کند و طراحی ساختمانی را یک عامل نظارتی می‌داند که باید رو به خیابان گشوده باشند، با نتیجه فرضیه اصلی همسو هست که فضاهای شهری را از منظر میزان نظارت و امنیت متفاوت می‌داند.

راپورت اساس شکل‌گیری مناطق زیستی را در فرهنگ مردم جستجو می‌کند و تفاوت مناطق کالبدی را ناشی از تفاوت فرهنگ می‌داند. نتایج این پژوهش نشان داد تفاوت احساس امنیت در حوزه‌های داخل شهر و حومه شهر با توجه به امکانات رفاهی و شهری معنی‌دار نبوده و فرضیه اصلی را مورد تقویت قرار می‌دهد.

مناطق قابل دفاع نیومن (اصل قلمروگرایی، نظارت، تعریف مرز، تصویر و مناطق اجتماعی) که در صدد انتظام بخشیدن به فضا بود و بیش از حد بر نقش اجتماعی فضا که چگونه این امر منجر به احساس عدم امنیت یا ترس شدید ساکنان می‌گردد بیان می‌کند. نتایج این پژوهش نیز نشان داد احساس امنیت اجتماعی به شدت متأثر از نوع

مناطق شهری است که نظریه نیومن را مورد حمایت قرار می‌دهد، علی‌الخصوص بُعد امنیت جانی منطبق با ایده نظری نیومن می‌باشد. در همین راستا تحقیق شیرواند در شهرهای رباط کریم و شهریار نیز میان مناطق شهری و شدت جرایم رابطه معنادار به دست آورده بود. چنان‌که در نظریه پنجره شکسته ویلسون نشان داده شده است، رابطه مستقیمی میان ظاهر آشفته و بی‌نظم خیابان‌ها و ساختمان‌ها و وقوع جرم و احساس ناامنی وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد ابعاد احساس امنیت بویژه احساس امنیت روانی متأثر از فضاهای کالبدی شهری است به گونه‌ای که مناطق منتخب بدون پیشگیری شهر نوشهر احساس امنیت روانی کمتری را برای شهروندان نوشهری ایجاد می‌کند و مناطق شهری با مختصات قابل دفاع و ایمن احساس روانی کمتری به شهروندان نوشهری القاء می‌کند.

در باب تبیین عوامل مؤثر بر احساس ناامنی دو عامل؛ طراحی و معماری نامناسب مناطق شهری و عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری به عنوان علل احساس ناامنی مورد توجه قرار گرفت که نتایج نشانگر تأثیر بالای این عوامل در متغیر وابسته پژوهش بود. همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان دادند معماری و طراحی مناسب مناطق شهری می‌تواند در افزایش احساس امنیت شهروندان سهم قابل توجهی داشته باشد این عامل وقتی با عامل نظارت مداوم بر عرصه مناطق شهری ترکیب می‌شود دارای تأثیر دو چندانی در احساس امنیت شهروندان می‌شود بنابراین به منظور تقویت احساس امنیت شهروندان در مناطق بدون پیشگیری شهری ضمن توجه به طراحی‌های کالبدی به مبحث نظارت شهری نیز توجه بیشتری معطوف گردد. نتایج تحقیقات ایک و همکاران (2015)، کورنیش و کلارک (2014) و کایفر (2017) همسو می‌باشد.

پیشنهادها

فضاهای بدون پیشگیری وضعی و انتظامی در شهر نوشهر دارای ویژگی‌هایی هستند که حتی در طول ساعات شبانه روز تغییر می‌کنند و موجب زمینه‌سازی برای نوع خاصی از خشونت‌های شهری و به تبع آن احساس ناامنی می‌شود. بنابراین در ارائه راهکار باید متغیر بودن ویژگی‌های اجتماعی و تا حدودی فیزیکی - اجتماعی را در نظر داشت.

علاوه بر این باید این مسئله را در نظر داشت که دستکاری و تغییر دادن جزئی یا کلی در ویژگی‌ها به سبب محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چندان میسر نمی‌باشد. بعضی از فضاهای شهری در نوشهر محصول برنامه‌ریزی بد و بدون مطالعه هستند و برخی دیگر به مرور زمان دچار تغییراتی می‌شوند که سبب از بین رفتن اقدامات پیشگیرانه انتظامی شده‌اند. بر این اساس، ارائه راهکارها و پیشنهادات باید در اولویت نخست جهت تقویت اقدامات پلیس در مناطق با پیشگیری در شهر و حومه باشد.

- مناطق بدون پیشگیری یا با پیشگیری ضعیف در نقاط مختلف نوشهر دارای رویت بصری کم بوده و گاه فاقد رویت بصری می‌باشد. در این راستا در طراحی و ساخت فضاها به رویت بصری مناسب و دیده شدن از زوایای مختلف به میزان مناسب توجه گردد قرار دادن نمای کناری ساختمان‌ها، پیچ و خم‌دار کردن بر اثر جلو و عقب‌رفتگی ساختمان‌ها در طول خیابان‌ها تا حد ممکن جلوگیری شود؛
- اکثر فضاهای ناامن دارای فرصت‌های نظارتی محدود هستند و در مواردی فاقد فرصت نظارت و کنترل می‌باشند. برای کاستن شدت این ویژگی در فضاها و افزایش فرصت‌های نظارتی باید پنجره و درب و بالکن‌های مشرف به فضاها تعبیه شود و موانع فیزیکی مانند درختان پرشاخ و برگ را کاهش داد، همچنین استفاده از پلیس محله توصیه می‌گردد؛
- عدم حضور مستمر افراد در برخی فضاها (خلوتی به‌مدت طولانی) از عوامل احساس ناامنی است. برای افزایش احساس امنیت، می‌توان با تغییرات در شرایط فیزیکی و کاربری فضا، از خلوتی فضا کاست و یا این‌که در زمان مکان‌یابی فعالیت‌ها و استقرار فضاهایی مانند پارک و مناطق سبز دقت شود تا بتواند در اکثر ساعات تعدادی قابل توجه به خود جذب کند و یا با انتقال یک فعالیت شاخص به یک فضا می‌توان به ارتباط مردم با فضا کمک کرد و فقر فعالیتی فضا را کاست، همچنین افزایش گشت‌های انتظامی در افزایش احساس امنیت شهروندان مؤثر می‌باشد؛
- در صورت نصب پل هوایی برای عبور پیاده مسیر عبور افراد در طول پل باید قابل رویت باشد و توسط تابلوها و سایر الحاقات پوشیده نشود؛

- ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، برای افزایش ایمنی باید در نقاط قابل دید نصب شوند و دارای روشنایی و سرپناه مناسب باشند و آسایش اقلیمی کلیه ایستگاه‌ها فراهم شود؛
- از قراردادن تجهیزات و مبلمان شهری در تقاطع‌ها و نبش‌ها و پیاده‌روها که منجر به مسدود شدن و کاهش احساس امنیت عابرین می‌شود پرهیز کرد؛
- در مکان‌یابی پارک‌ها باید دقت کرد تا ناهمواری‌ها و کنج‌ها و گوشه‌ها زیاد نباشد و ضمن اینکه در طراحی پارک‌ها در نظر گرفتن قرارگاه‌های رفتاری گوناگون (مانند قدم‌زدن، نشستن، استراحت و ...) لازم است؛
- به‌منظور بازشناسی مناطق شهری و حفظ خاطرات جمعی، حفاظت از عناصر باارزش و خاطره‌انگیز باقیمانده شهری لازم است چون این کار به افزایش تعلقات مکانی کمک کرده و به ماندگاری افراد در محله و پایداری سکونتی منتهی می‌شود؛
- برای مدیریت خاطره جمعی (به مفهوم موریس هالبواکس) به کمک طراحی شهری، ضروری است از مصالح، فرم‌ها و عناصری که به نوعی تداعی‌کننده زمان گذشته و بازگوکننده پیشینه تاریخی مناطق شهر است استفاده شود.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از فرماندهی انتظامی شهر نوشهر و کلیه شهروندان مشارکت‌کننده در پژوهش کمال تقدیر و تشکر را به عمل آورم. به طور یقین بدون همراهی و همکاری این عزیزان انجام این پژوهش امکان‌پذیر نمی‌شد.

- براندفری، ایوان (1397). عرصه‌های زندگی خصوصی و جمعی. ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیات، بهرام (1394). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی. فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ششم، شماره اول، صص 31-55. بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_35819.html.
- پورسعید، فرزاد (1395). امنیت مدنی. فصلنامه راهبرد، شماره 36، صص 27-46. بازیابی از:
http://quarterly.risstudies.org/article_61090.html
- چپمن، دیوید (1395). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت. ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- حسینی‌خواه، امیرعلی (1396). خشونت و جامعه. تهران: نشر سفیر.
- خاموشی، طاهره (1395). نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای عمومی امن در راستای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته طراحی شهری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دیکنز، رادو (1396). فضای اجتماعی. ترجمه علی احمدی، تهران: نشر نی.
- روحانی، حسن (1394). امنیت عمومی، امنیت ملی و چالش‌های فراروی. مجله راهبرد، شماره 41، صص 19-34. بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/author/2888>.
- شکوئی، حسین (1394). جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران: سازمان انتشارات دانشگاهی.
- فیالکوف، یانکل (1394). جامعه‌شناسی شهری. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات آگاه.
- کلانتری، عباس (1392). مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم. تهران: معاونت آموزش ناجا.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی و گلمراد مرادی (1395). بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه جوانان: مطالعه موردی شهر اسلام آباد غرب. جامعه‌شناسی کاربردی، 21(2)، صص 40-58. بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/953807>
- لینچ، کوین (1395). سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.

- مدنی‌پور، علی (1395). طراحی فضای شهری. ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدیری، آتوسا (1395). جرم و خشونت در فضای عمومی شهری. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم. شماره 22، صص 11-29. بازیابی از:
http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2098&sid=1&slc_lang=fa
- موسوی، یعقوب (1388). تحلیل جامعه‌شناختی از تناقضات فضایی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره 2، صص 65-95. بازیابی از:
http://www.jss-isa.ir/article_23392.html.
- نوغانی، امیر (1396). امنیت و شکاف‌های اجتماعی. در مجموعه مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا دفتر سیاسی.
- Berman.D.(2016) The Signs in the street :A Response to Perry Anderson New Left Review 123-144.
- Clark, R.V.G. (2015). Situational Crime Prevention: Successful case Studies , reprinted and modified in 2015, New York: Harrow & Heston Publishers.
- Cornish, D. B & Clark, (2014). Situational Prevention: Displacement of Crime and Rational Choice Theory, in Heal & Laycock, Situational Crime Prevention: From Theory into Practice, London: HMSO.
- Eck, John, Spencer Chainey, and John Cameron.(2015). Mapping Crime :Understanding Hot Spots. Washington, DC:U.S. Department of Justice, National Institute of Justice.
- Jacobs.j.(2013)The Death and Life of Great American cities.New York. Vintage.
- Newman.oscar.(2017)Creating Defensible Space Department of housing and urban development.
- Kifer, G. (2017). Crime Prevention: reprinted and modified in 2017, New York: Harrow & Heston Publishers.
- Trancik. Roger (2016) Finding Lost Space .New York.Van Nostrand Reinhold.
- Weisel,Deborah.(2016). Analyzing Repeat Victimization, Problem Solving Tool Series, No.2. Washington, D.C.:Office of Community Oriented Policing Services, U.S.Department of Justice.